

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ می ۲۰۲۳

آیا واقعاً خودکشی است؟

چهارشنبه- ۱۳ ثور ۱۴۰۲ - کابل: در یادداشت امروز شما را با واقعیت یک سلسله قتل هائی مرموزی آشنا می سازم که در رسانه ها عمدتاً زیر نام "خودکشی" به خورد مردم داده می شوند.

امروز حوالی ظهر وقتی سواری ها را مقابل وزارت معارف پائین کردم، تصمیم داشتم به جای این که سرگردان به دنبال "سواری سپیشل" بگردم، اندکی در داخل شهر توقف نموده نخست شکم را سیر، بعداً به دنبال کار روان شوم، چه همه می دانیم که "چای نخورده جنگ نمی شود". در همین فکر و این که به کجا جهت نان خوردن روان شوم، بودم و قبل از این که موتر را از جایش تکان دهم که درب های پهلوی دستم و درب عقب موتر باز شده دو نفر سوار شدند. وقتی رویم را دورادم تا از آنها عذر بخواهم، دیدم فردی که در کنارم نشسته است، یکی از آشنایان و دوستان قدیمی ام است که تقریباً بیش از ۵ سال از همدیگر خبری نداشتیم. این که من تا چه اندازه از دیدن آنها خوشحال شدم و آنها از دیدن من با سر و وضع فعلی ام متعجب، باشد سرجایش. دوستی که پهلویم نشسته بود، از ولایت تخاراست و قبل از این که در اواخر دوره اول حاکمیت "غنی احمدزی" به تقاعد قبل از وقت سوق داده شود، در شهر طالقان کارمند دولت بود، همراهش هم از همان ولایت و از شهر طالقان بود.

بعد از احوالپرسی های نخستین قبل از آن که موتر را حرکت دهم، برنامه نان خوردن خود را با دوستم در میان گذاشته از وی خواستم که اگر وقت کافی دارد، می رویم طرف منزل و در آنجا در دزدل می کنیم در غیر آن در همین دور و بر ها نخست چیزی خورده بعداً آنها را به مقصد شان خواهم رساند. طبق معمول بعد از اندکی اصرار از جانب من و انکار از آنها، فیصله نمودیم که در همان مرکز شهر جائی غذای مان را خورده، در ضمن صحبت هم نمایم. حین صرف غذا صحبت روی خودکشی هائی آمد که در این اواخر همیشه در رسانه ها بدان اشاره صورت می گیرد. آن دوست که فعلاً در مرکز شهر طالقان دکانی دارد و با مردم زیاد در تماس است، به ارتباط این خودکشی ها حداقل در ولایت تخار چنین گفت:

«تاجائی که به ولایت تخار ارتباط می گیرد، می توانم اطمینان دهم که ۹۸ درصد آنچه را خودکشی اعلام می دارند، خودکشی نیست. یا قتل های ناموسی است که والدین و اقارب نادان دختران و پسران، فرزندان شان را به اتهامات واهی به قتل می رسانند و یا هم جنایتی است که از جانب طالبان مسلح صورت می گیرد.»

از آن جایی که رسانه های مستقل و آزاد وجود ندارد تا واقعیت ها را انعکاس دهند، در پی هرتجاوز جنسی بالای پسر بچه ها و دختران از جانب نیروهای مسلح طالب، و افشای قضیه، قومندانهای طالب برای فامیل دو راه می مانند: یا خودت را به اتهام ضدیت با طالب با تمام فامیلت نیست و نابود می کنیم و یا در بدل مقداری پول، می توانی خودت قربانی تجاوز را بکشی و یا اگر کشته شده است، صدایت را بلند نکرده، به همه من جمله به رسانه ها بگوئی که آن دختر و یا آن پسر خودکشی کرده اند.»

دوستم جهت اثبات ادعایش نامی از اقارب یک تن از افراد شناخته شده آن ولایت را که چندین سرای و دکان دارد، نیز ذکر نمود مگر با تأسف به این قلم جهت حفظ آبرو و امنیت آن خانواده اجازه معرفی آنها را نداد.
هموطنان گرامی!

با حرکت از این واقعیت که ما در کشوری زندگانی می نمایم که کشوریست اشغال شده به وسیله یک گروه تروریست و مزدور بیگانه که خود را صاحب مطلق این سرزمین و باشندگان آن می دانند و با در نظر داشت این اشغالگران به هیچ ارزش و اخلاقی غیر از آن چیزی که خود اخلاق می دانند نه باور دارند و نه آن را قابل اعتناء و احترام می دانند و بادر نظر داشت این که وقتی یک انسان چه دختر و چه پسر مورد تجاوز قرار می گیرد، او قربانی خشونت یک نظام ضد انسانی و ضد ملی است، خانواده ها نباید در چنان حالتی زیر نام دفاع از آبروی خانواده، قربانی جنایت را با کشتنش مجازات نمایند.

در چنین مواردی هرگاه خانواده ها واقعاً آنقدر محافظه کار می گردند که برای زنده ماندن خودشان، نمی خواهند صدای شان را بلند نمایند و افشاگری کنند حداقل همین اندازه وجدان و شرافت داشته باشند که قربانی مظلوم را نابود ننمایند. یعنی وقتی نه بازخواستگری وجود دارد و نه خود توانائی و قصد گرفتن انتقام از جناتکار را دارنده حداقل در جنایت طالب سهیم نشوند و عضو خانواده شان را نابود ننمایند.
هموطنان گرامی!

طالب از لحاظ اعتقادی چون جنایات و جنگهای خوبار شان را جهاد می دانند و افغانستان را بلاد مفتوحه و دارالحرب اعلام می دارند، بر مبنای همان پوشش اعتقادی به خود حق می دهند تا از زنان و دختران به مثابه کنیز و از پسر بچه ها به مثابه غلام بدون ترس از مجازات دنیوی و اخروی استفاده جنسی نمایند. هرگاه می خواهیم خود و جامعه ما از این مصیبت رهائی یابند، راه علاج نه مخفی کردن جنایات طالب است و نه هم با کشتن قربانیان شریک شدن در جرم و جنایتی که طالبان انجام داده اند.

عکس آن راه مبارزه در کنار افشاگری، تشکل و تسلیح و نابودی فزیکتی جنایتکاران می باشد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ماسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!